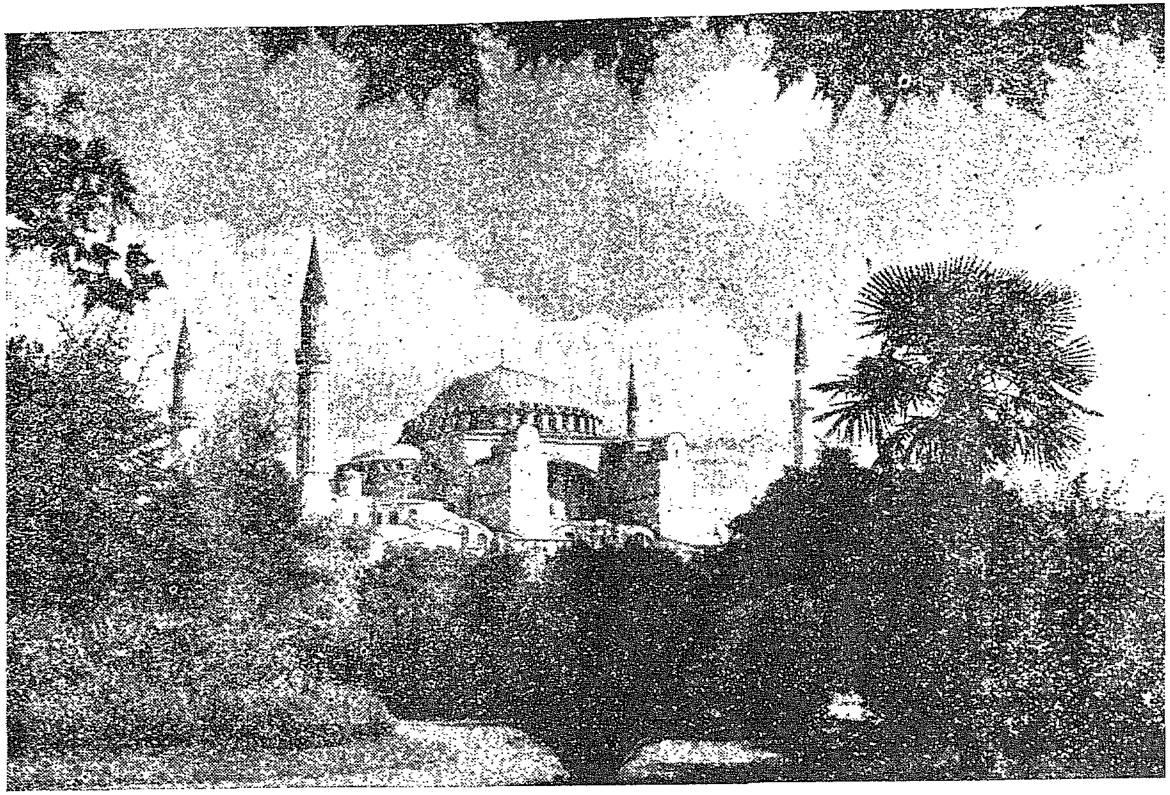
علی‌اصغر حکمت

ستانبول - شهریور ۱۳۳۰

ایاصوفیا

طهران – مهرماه ۱۳۳۰
چاپخانهٔ مجلس



اياصوفيا

علی اصغر حکمت
استانبول - شهریور ۱۳۳۰

ایا صوفیا

بنای عظیم و رفیعی که بنام **ایا صوفیا** معروف آفاق است . درتاریخ صنایع ظریفهٔ جهان ، وهنر معماری بنی نوع انسان شأنی بسیار دارد . این گنبد وشادروان که‌درساحل غربی بُسفر جای گرفته همواره نظاره گاه مردم شرق و غرب و مورد اعجاب و تحسین و تحقیق و مطالعهٔ دانشمندان عالم است .

مردم این سر زمین چه در اعصار باستانی بیزانطیه ، و چه در قرون معاصر باین اعجوبهٔ صنعت که مایهٔ عزّت شهرشهیر ایشان است‌مباهات ها کرده‌اند - ایوانهای رفیع ، مناره های بلند ، ستونهای ظریف ، و دَرْها و لوحه ها و محراب ها و صور و تماثیل وخطوط ، که پیکر آنرا ترتیب کرده‌اند بسالها تماشا گاه خلائق بوده و در زیر گنبد بلند آن هزاران اهل دل وصاحبان ذوق ومعتقدان دین به مراقبه و تفکر و راز و نیاز پرداخته‌اند . هر گوشهٔ آن آیتی آشکار از تحوّل روز گار وهرضلع آن نشانی‌روشن از گردش زمانه است .

گویا مشیّت ازلی بوده است که‌این قطعه از کرهٔ خاك دیرزمانی بتکده ، وروزگاری کلیسا ، وسالیانی مسجد باشد ، تا این ایام که سرانجام بصورت موزه و متحف درآمده است، و همیشه مقصد زائران و مطاف صاحبدلان است کـه جمعی کثیر با دل های پر از شور ایمان ، و گروهی انبوه با سرهای پر ازشرار ذوق احرام حریم آن بسته‌اند .

نویسندهٔ این سطور را درشهریور ماه ۱۳۳۰ برآن آستان گذرافتاد ، ساعاتی‌چند درآن جا بسربرد ، وبر در و دیوارآن بدیده عبرت نگریست ، ازنقش ونگارآن‌درس های عبرت گرفت . ادوار گونا گون تاریخ و حوادثی که درطی مدّت پانزده قرن برآن گذشته درصحیفهٔ خاطر نمایان گشت . افکاری چند دردل نژند پدیدآمد ، آن‌اندیشه‌های پریشان را در قالب سخنانی نا رسا و کلماتی ناسره بنظم آورد کـه پارسی زبانان را ارمغانی بس ناچیز و اهل هوش را هدیه‌ای بس محقّر باشد .

ایا صوفیا

۱ - پیام

از دل سترد چرخ ، غم ننگ و نام را
تاسوی دیر برد ز مسجد زمام را .
افروخت آتشی به تن ما شرار عشق
خاکستری نماند دل نیم خام را .
از ری بصبحگاه چو طیّاره پر گشود
در روم گشت جایگزین وقت شام را .
از بحر روم(۱) طرفه نسیمی بما وزید
خوشبوی کرد ساحل بسفور(۲) مشام را .
بر طرف طولمه باغچه(۳) تا تن مقیم شد
بس نغمه ها که جان بسرود آن مقام را .
ای پیک صبحدم چو رسی بر دیار یار
از ما رسان بحضرتِ او این پیام را :
جام صفا بیا ز ایاصوفیا بنوش
« صوفی بیا که آینه صاف است جام را »(٤)

---

(۱) بحرروم یابحر متوسط . Méditerranée - دریای معروف که دروسط سه اقلیم : اروپا (شمال) افریقا (جنوب) وآسیا (مشرق) قرار دارد - دریاهای مرمره و سیاه از متفرعات آن‌اند .

(۲) بسفور Bosphore - تنگهٔ معروفی است که دریای مرمره را به دریای‌سیاه متصل میسازد وشهر قسطنطنیه (استانبول) در ساحل غربی آن قرار دارد .

(۳) طولمه باغچه - ازقصور عالی سلاطین عثمانی است که درساحل اروپائی بسفور بنا شده - وایشان در این اواخر آنرا بتکلف تمام ساخته و پرداخته‌اند ، و از ابنیهٔ ظریفه وبارك های زیبای آن‌شهر است ، ومعنی کلمه « باغ انباشته از گل وگیاه » میباشد .

(٤) صوفی‌بیا . . . مصراع اول از مطلع غزل معروف خواجه حافظ است که در اینجا بمناسبت مقام تضمین شده . « صوفی بیا که آینه صاف است جام را تا بنگری صفای می لعل فام را

II ـ بتکده

روزی که در بشر خبر از خیر و شر نبود ،
اندیشهٔ ز محشر ، اندر بشر نبود .
باطل رواج و کفر روان ، شرك آشکار ،
وز دینِ حق بعرصهٔ عالم اثر نبود !
در نزد رومیان بهمه دانش و هنر
جز کیش بت پرستی ، کیش دگر نبود .
آئین آپولون(۱) بُد و ایمانِ ژوپیتر(۲)
کس را مگر ز دعوت بولس(۳) خبر نبود .
بر جای سنت صوفیه(٤) بر نام افرودیت(٥)
معبد سه چار بود و یکی راهبر نبود .
روزی سیاه بُد که ز پند پیمبران
روشن جهان چو چشمهٔ تابان خور نبود !
چون گشت فرّ ایزدی از خاور آشکار
باری سخن ز اهرمن باختر نبود !!

---

(۱) آپلاون Apollon ـ یکی از ارباب انواع یونانیان و رومیان است . او را اِلاهه طب و شعر و هنر و اغنام و روز و شب و آفتاب میدانسته اند . فرزند ژوپیتر ، و دارای اساطیر و افسانه های بسیار است .

(۲) ژوپیتر Jupiter ـ پدر خدایان وربّ‌الارباب ، دراساطیر یونانیان و رومیان صاحب افسانه‌ها و روایات بسیار است .

(۳) بولس یاسن‌پال . Saint Paul ملقبّ به رسول ، پیشوای‌دعوت مسیح درقرن اول میلادی . در شهر طرسوس متولد شد و در سال ٦٧ م . در رُم بقتل رسید . او را از بزرگترین مؤسسین اولیهٔ کلیسای غربی میشمارند .

(٤) سنت صوفیه Sainte Sophie ـ به یونانی « ایاصوفیا » نام کلیسای معروف بیزانطیه که بنام « قدیسهٔ صوفیا » یعنی « حکمت مقدس » ویا بیاد « سنت صوفیه » که ازشهداءِ عالم مسیحی است بنا شده و از سال‌های ٥٥٨ تا ٣٣٠ م ساختمان آن انجام گرفته است .

(٥) افرودیت Aphrodite ـ نامی است که رومیان به الههٔ جمال نهاده‌اند که به یونانی ونوس نام دارد و در بارهٔ آن اساطیر فراوان است . حفریات اخیر ثابت کرده که در مکان فعلی ایا صوفیا قبل از امپراطوری روم شرقی در ازمنهٔ قدیم سه معبد بنام افرودیت و اپلاون و آرتمیز وجود داشته که رومیان و یونانیان آن خدایان را پرستش میکرده‌اند .

III ـ کلیسا

چون شاهِ روم بر در بیزانس (۱) پا گذاشت،
همت ز ملکِ غرب سوی شرق بر گماشت.
اندر کنار تنگهٔ بُسفر بنام شاه(۲)
قسطنطنیّه (۳) رایت اقبال برفراشت.
در جستجوی بارِ حقیقت زباغ عمر
قیصر نهال دین مسیحا بدل بکاشت.
دیری پر از نگار، مر از مرمر سفید
اندر کنار مرمره (٤) جوستینیان (٥) نگاشت.
بس سنگ ها که خواست ز اطراف شام و روم(٦)
بس رنج ها که بُرد بهنگام شام و چاشت.
بر یاد حکمت ازلی در حریم قدس(۷)
برآن کنیسه (۸) نام « ایا صوفیا » گذاشت.

---

(۱) بیزانس Byzance ـ نام شهری است یونانی که در ساحل بوسفر قرار داشت و بعد از کنستانتین کبیر پایتخت امپراطوری روم شرقی شد و آنرا بر فراز هفت تل که اکنون شهر استانبول است در حدود ۶۷۵ ق. م. بنا نهاده بودند.

(۲) بنام شاه ـ پس از آنکه در اوایل قرن چهارم میلادی کنستانتین کبیر مقر حکومت خود را در بیزانس مقرر فرمود آن شهر بنام وی Constantinople نامیده گردید.

(۳) القسطنطنیه ـ معرب کنستانتینوپل میباشد و در قرون وسطای تاریخ اسلام نزد جغرافیون عرب باین نام مشهور است.

(٤) مرمره ـ دریای کوچکی است از شعب فرعی بحر روم که با آن از تنگه داردانل و با دریای سیاه از تنگهٔ بسفر متصل است.

(٥) جوستینیان اول ـ از امپراطوران بنام روم شرقی که از ۵۲۷ تا ۵٦۵ سلطنت کرده و جنگهای بسیار باواندالها درغرب و با ایرانیان در شرق دارد. از جمله مؤسس و مقنن و بانی کلیسای ایاصوفیای کنونی است.

(٦) بس سنگها ... ـ درتاریخ نوشته‌اند که جوستینیان برای بنای دیرسنگی ایاصوفیه سنگهای گرانبها واحجار ظریف از اکناف کشور خود طلب فرمود وحکام او از ایطالیا و مصر و شام و یونان ستونها و سنگهای بسیار به قسطنطنیه فرستادند.

(۷) بریادحکمت ازلی ـ ایاصوفیا مرکب است از دو کلمه یونانی (ایا) یعنی قدوس ـ و (صوفیا) یعنی حکمت ـ و گویند چون قیصر جوستینیان آن کلیسا را بساخت برحسب عقیدهٔ ارتودوکسی که خدا را کلمه و کلمه را حکمت میدانند آن را نیاز درگاه حکمت قدوسی Sainte-Sagesse نموده ایاصوفیا نامید.

(۸) کنیسه ـ برمعبد نصاری و یهود هر دو اسم اطلاق میشود جمع آن کنایس.

پنداشت آن بنا راباقی بروزگار
ای غافل آنکه چشم بقا از زمانه داشت!

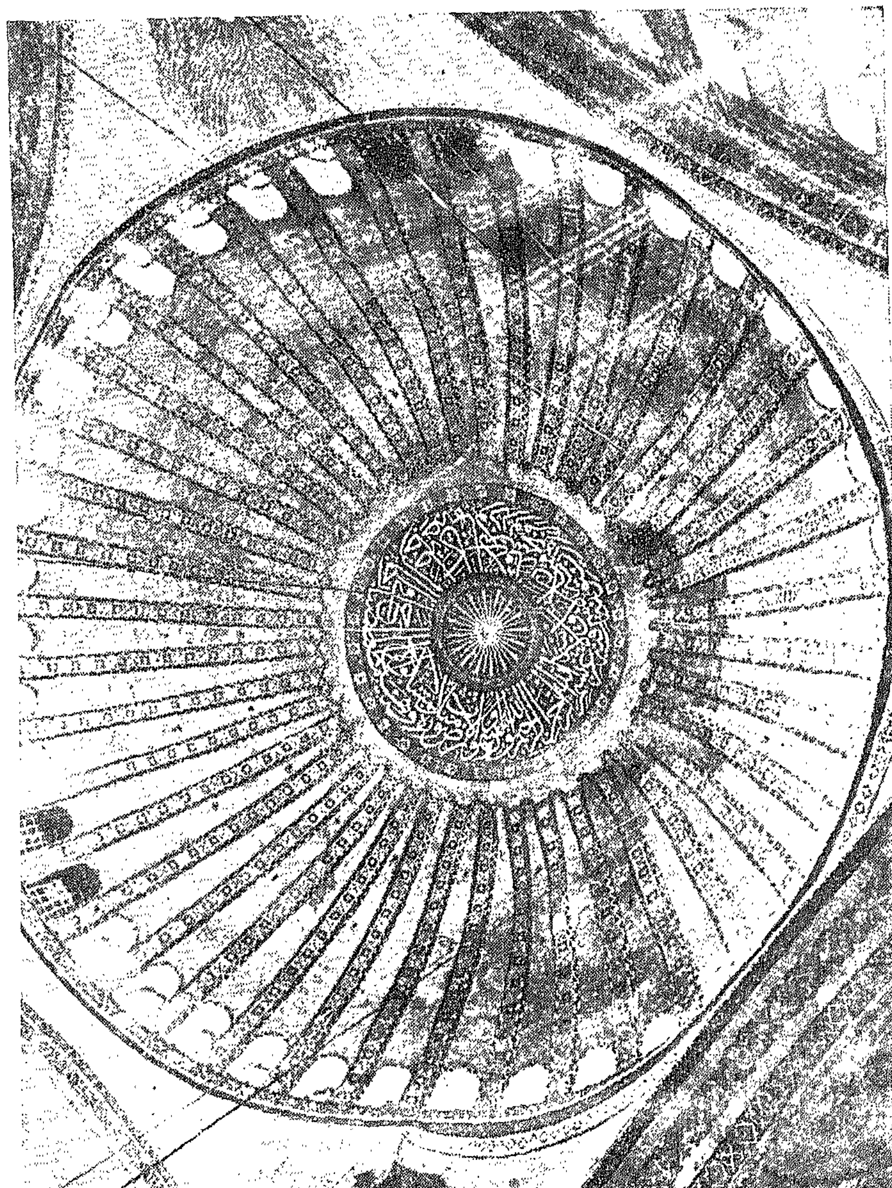
۱۷ - مسجد

دور سپهر چون سپه رومیان شکست،
بنیان قصر قیصر از آن داستان شکست.
سلطان ترك (۱) سوی ایاصوفیا شتافت
بانگ نماز داد و صف کافران شکست.
اسلامبول (۲) گرفت بفتح محمّدی(۳)
رایات عیسوی را، بر آستان شکست!
تا شد عیان ز گنبد، مشکاة نور حق(٤)
شمع مسیح بر زبر شمعدان شکست!
نقش صلیب از در و دیوار محو ساخت(٥)
آوای ارغنون (٦) بر بانگ اذان (۷) شکست!

---

(۱) سلطان ترك - محمد دوم ملقب به «فاتح» هفتمین سلطان عثمانی که از ۱٤٥۱ تا ۱٤۸۱ در اناطولی و بالکان سلطنت میکرد، متولد بسال ۸۳۲ ه/۱٤۲۹ م. شهر قسطنطنیه را ازدست آخرین امپراطوران مسیحی بگرفت، واین فتح در۲۹ ماه مه ۱٤٥۳ واقع شد. گویند در روز فتح پیاده به ایاصوفیا رفت ومؤذنین را امر فرمود که اذان گفتند ونماز شکرانه در دهلیز کلیسا بسوی قبلهٔ اسلام بجای آورد - و در همانجا محرابی بیادگار بساختهاند، واز آن تاریخ ایاصوفیا بصورت مسجددر آمد.
(۲) اسلامبول - نامی است که عثمانیان از اواخر قرن هجدهم بشهر استانبول نهادند وهمان نام را برسکه ضرب کردند ومرکب است ازدوکلمهٔ «اسلام» و «بول» بترکی یعنی - اسلام فراوان.
(۳) فتح محمدی - ایهام است بنام نبی (ص) ونام سلطان فاتح.
(٤) مشکاة نورحق - در دائرهٔ وسط گنبد رفیع ایاصوفیا. آیهٔ مبارکهٔ نور - مثل نوره کمشکوة.. بخط ثلث بسیار زیبا ونمایان کتیبه شده که هنوز برقرار ومحل اعجاب نظارگان است.
(٥) نقش صلیب - پس از فتح استانبول برحسب امرسلاطین آل‌عثمان نقش‌صلیب راکه برروی‌سنگ ایوانها وازاره ها نقش کرده بودند محو ساختند که هنوز اثر آن جابجا دیده میشود، و نیز صور و نقوش موزائیك را که در دوره مسیحیت رسم نموده بودند باگچ مستور کردند.
(٦) ارغنون - معرّب - اُرگ - کهبه لاتین Organum گویند ازآلات معروف موسیقی است که درکلیساها درموقع انجام مراسم مذهبی مینوازند.
(۷) بانگ‌اذان- کلمهٔ‌اسلام‌ومقدمهٔ‌نماز - از آن تاریخ کهدرایاصوفیا اذان گفتندنواختن‌اُرگ‌موقوف‌شد.


الله جل جلاله



سقف گنبد مسجد ایاصوفیا

محراب کج نهاد که قبله کنند راست (۱)
زین کجروی درست دل راستان شکست !
از - اینما تولّوا (۲) - گویا نکرد یاد
آن فاتحی که طاق کلیسا چنان شکست .

۷ موزه

تا سایه بر گرفت از آن آستان همای ،
شد بسته باب عالی و دروازهٔ سرای (۳) !
سلطان (٤) بینوا را از دست رفت کار ،
دولت سر آمد آخر و پرچم بشد ز پای !
شاخی جوان برست مگر از بُن کهن .
چون اصل شد اصیل ، بُود فرع جانفزای .
بر زادگان ترك - آتاتورك (٥) شد پدر
فرزند سربلند و پدر شد بلند رای .
بر تافت روی خاطر از آداب شرقیان ،
شد قوم ترك را بسوی غرب رهنمای .

---

(۱) محراب کج نهاد - گویند که وجههٔ کلیسای ایاصوفیا بطرف قدس (اورشلیم) بوده است . چون سلاطین مسلمان ترك محراب مسجد را بطرف کعبه ساختند بالطبع درمرکز بنا واقع نشده وبضلع شرقی متمایل است که وجههٔ آن بسوی جنوب میباشد .

(۲) اینماتولوا - اشاره بآیهٔ شریفهٔ - «ولله المشرق والمغرب اینماتولوا فثم وجه الله» البقره - ۱۲۵ .

(۳) آستان - آستانهٔ علیه - لقبی است که بدربار سلاطین آل عثمان داده اند ، وباب عالی - دفترمرکزی حکومت عثمانیه ، شامل بردفترصدراعظم و وزیرخارجه وشورای سلطانی بوده که درنزدیکی ایاصوفیا واقع ، واکنون مقرّ حکمران شهر استانبول است . کلمهٔ - سرای - فارسی را به قصور سلطنتی ترك میگفته اند و بزرگترین قصر ، «طوپ کاپوسرای » یعنی « قصر باب المدفع » که سلطان محمد فاتح بنا نهاد درجنب ایاصوفیا موجود است .

(٤) سلطان بینوا - آخرین سلطان عثمانی که در زمان او سلطنت آن خاندان منقرض شد و رسم خلافت برافتاد . عبدالمجید دوم فرزند عبدالعزیزخان در سال ۱۹۲۲ م . بسلطنت نشست و در سال ۱۹۲٤ خلع شد و دولت جمهوری ترکیه برقرار گردید .

(٥) اتاتورك - مصطفی کمال ملقب به - اتاتورك - یعنی پدر ترك پیشوای نهضت جدید ترکیه ، ومؤسس جمهوریت واولین رئیس جمهور آن کشور ، درا کتوبر ۱۹۳۸ درطولانیا فقط وفات یافت .

استنبل (۱) آنچنان پی رسم فرنگ رفت
کش ماند موزهٔ (۲) زایا صوفیا بجای !
مسدود کرد معبد حق را بروی خلق
حاجب به بست در ، که به پروانه اندر آی !

VI ـ روزگار

بنشست دردها بدل از جور روزگار !
برخیز ساقیا زکرم داروئی بیار .
بگرفت دل ز ساحل قرن‌الذّهب (۳) بیار
ای باد ، بوئی از بر آن سیم تن نگار .
بنگر بداستان ایا صوفیا دمی
ای دیدهٔ بصیر از آن گیر اعتبار (٤)
برخوان بسی روایت از قیصرو (٥) سزار (٦) !
بشنو بسی حکایت از خان (۷) و خوندگار (۸)

---

(۱) استنبل یا اصطنبل ـ تلفظ ترکی ـ کنستان تینوپل ـ است و این اسم در آثار جغرافیائی وادبی مسلمانان از قرن ششم آمده ، رجوع شود بیاقوت ـ و قاموس ورحلهٔ ابن بطوطه ـ و حتی مسعودی درقرن چهارم این شهر را «استانبولن» ضبط کرده است ، ودراینزمان نیزآنرا هم چنان استانبول Stanbül گویند .

(۲) موزه ـ محل مجموعهٔ آثار صنعتی یا تاریخی را گویند ، و اصل آن ازکلمه یونانیMousèion آمده (یعنی معبد موزها) ـ بعداز استقرارحکومت جمهوری جدید ترکیه ایاصوفیا را جزو موزه‌های ملی قرار داده‌اند که ورود بآن در برابر پرداخت وجه و گرفتن بلیط است .

(۳) قرن الذهب ـ Corne d'or نام خلیجی است از متفرعات بسفر که شهر استانبول را بدوقسمت تقریبا شمالی وجنوبی منقسم ساخته است .

(٤) ای دیدهٔ بصیر ـ اشاره بآیهٔ شریفهٔ : « یخربون بیوتهم بایدیهم و ایدی المؤمنین فاعتبروایا اولی الابصار .

(٥) قیصر ـ معرّب César ابتدا لقب امپراطوران روم از خاندان ژول سزار بوده که بعدها به مطلق سلاطین روم استعمال شده‌است ـ جمع قیاصره .

حواشی ٦ـ۷ـ۸ درصفحهٔ بعد است .

از آن زمان که قیصر ، آن دیر برفراشت
بشمار سالها که بود پانصد و هزار (۱) !
پانصد هزار سال دگر گر گذر کنی
آنجا ، اثر نبینی زان دیرو زآن دیار ! ! !
در روزگار بین و مبین جز ره نیاز ،
« بگذر ز کبر و ناز که دیده است روزگار (۲) ...... »

استانبول ـ شهریور ۱۳۳۰
علی اصغر حکمت

حواشی صفحهٔ قبل :

(٦) سزار ـ لقب ژولیوس Jules که در رومیة الکبری از درجهٔ سربازی به مقام سلطنت نشست ودر قرن اول مسیحی باکمال اقتدار برممالک روم پادشاهی کرد ، ونام سزار از آن به بعد به قیاصره روم اطلاق شد .

(۷) خان ـ لقب سلطنت که پادشاهان ترك در آسیای مرکزی که بعدها پادشاهان عثمانی پس از اسم خود میآوردند ـ گویند از ریشه چینی Khang یا Ung بمعنی شاه گرفته شده ـ وقتی که سلاطین عثمانی لقب پاشا (مخفف پادشاه) را به سرداران خود عطا میکردند شاهان صفوی نیز دربرابر ، لقب خان‌را به امراء خود دادند واین عنوان تا سال ۱۳۰٤ شمسی در ایران متداول و روان بود .

(۸) خوندگار ـ یا خونگار مخفف « خداوندگار » لقبی است که به بعضی از سلاطین آل عثمان مخصوصاً سلطان مرادخان اول میداده‌اند .

(۱) پانصد وهزار ـ تاریخ بنای ایاصوفیا درآغاز بدست کنستانتین کبیر در سال ٤۳۷ م واتمام قطعی آن بصورت کنونی بدست جوستینیان بسال ۵۵۸ م . است که تا این زمان که سال ۱۹۵۱ م میباشد درحدود ۱۵۰۰ سال میگذرد .

(۲) بگذر ز کبر و ناز . . . ـ این مصراع از خواجه حافظ است که به تضمین آمده ـ :

« بگذر ز کبرو ناز که دیده است روزگار   چین قبای قیصر و طرف کلاه کی »

۸۹۱۶۵۱۵۲۱

ح.

۱۳۶۲

ایاصوفیا

Date	No.	Date	No.